



بررسی تأثیر ساختار سررسید بدهی بر محافظه‌کاری حسابداری

دکتر صابر شعری آناقیز

دانشیار گروه حسابداری دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

مسعود حسنی القار^۱

مربی گروه حسابداری دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۶؛ تاریخ پذیرش: ۲۱ مرداد ۱۳۹۶)

محافظه‌کاری، تمایل حسابداران به الزام درجه بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوشایند در مقایسه با اخبار ناخوشایند، معنا شده است. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد یکی از عوامل تعیین‌کننده محافظه‌کاری حسابداری، تصمیمات مرتبط با سررسید بدهی است. کوتاه بودن سررسید بدهی‌ها اجازه کنترل‌های بهتر را برای مدیر فراهم می‌کند، زیرا سررسید کوتاه‌تر، انگیزه مذاکرات مجدد برای تمدید بدهی را افزایش داده و اعتباردهندگان هم قرارداد بسته‌تر و دقیق‌تری را با فرض‌گیرنده منعقد کرده و می‌توانند با مشخص شدن عملکرد شرکت در طی اولین دوره، برای تصمیم‌گیری در خصوص تمدید قرارداد یا تغییر شرایط قرارداد اقدام کنند. هدف پژوهش حاضر، بررسی تأثیر ساختار سررسید بدهی بر محافظه‌کاری حسابداری است. جامعه آماری پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری از مدل باسو (۱۹۹۷) و برای اندازه‌گیری سررسید بدهی از نسبت بدهی کوتاه‌مدت (بدهی که در طی یک سال تسویه می‌شود) به کل بدهی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سررسید بدهی کوتاه‌مدت تأثیر منفی معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. همچنین رابطه اندازه شرکت و ارقام تعهدی اختیاری با محافظه‌کاری حسابداری معنادار است. بر اساس بررسی‌های بیشتر، میزان جریان‌های نقدی بر سطح محافظه‌کاری حسابداری تأثیرگذار است. تأثیرگذاری جریان‌های نقدی بر سطح محافظه‌کاری حسابداری بیانگر وجود حساسیت محافظه‌کاری نسبت به جریان‌های نقدی است.

واژه‌های کلیدی: محافظه‌کاری حسابداری، شناسایی به موقع زیان، ساختار سررسید بدهی، هزینه نمایندگی و قرارداد بدهی.

^۱ acc.hasani@gmail.com

مقدمه

طبق نظریه عدم قطعیت هایزنبرگ، در ذات و طبیعت وقایع، عدم قطعیت و ابهام وجود دارد و حسابداری نیز از این قاعده مستثنی نیست. حسابداری در فرآیند شناخت، اندازه‌گیری و گزارشگری، همواره با عدم اطمینان مواجه است. محافظه‌کاری در حسابداری از میثاق‌های محدودکننده است [۵]. باسو [۱۸] محافظه‌کاری را این‌گونه تعریف کرده است: گرایش حسابداری به الزام، داشتن یک درجه قابل تأییدتر برای شناسایی اخبار خوب (همانند سودها) در مقابل شناسایی اخبار بد (همانند زیان‌ها). همچنین محافظه‌کاری را می‌توان انتخاب یک راهکار حسابداری تحت شرایط عدم اطمینان دانست که در نهایت به ارائه کمتر دارایی‌ها و درآمدها بیانجامد و کمترین اثر را بر حقوق صاحبان سهام داشته باشد [۲۳]. محافظه‌کاری نقش مهمی در فرآیند گزارشگری مالی دارد و رویه سودمندی برای ارزش‌گذاری خالص دارایی‌ها و اندازه‌گیری سود در وضعیت عدم اطمینان فراهم می‌آورد. به نظر برخی پژوهشگران موافق با محافظه‌کاری، احتیاط اعمال شده حسابداران می‌تواند ابزاری در جهت تعدیل خوش‌بینی‌های بیش از حد برخی مدیران، در زمینه برآوردهای عمده و پیش‌بینی‌های عملکرد آتی شرکت باشد. علت گزینش سود به عنوان متغیر وابسته در پژوهش‌ها، این است که برخی از اجزای آن برآوردی است. به بیان دیگر، سود بیانگر معیاری از اطلاعات جدید درباره تغییرات ارزش شرکت طی دوره مالی گذشته است [۸]. اعتباردهندگان بازدهی نامتقارنی در ارتباط با خالص دارایی‌ها دارند. زمانی که ارزش خالص دارایی‌ها بالاتر از ارزش اسمی بدهی‌ها باشد، صاحبان بدهی هیچ پاداش اضافی را دریافت نخواهند کرد، صرف نظر از اینکه این اضافه ارزش چقدر باشد. اما زمانی که خالص دارایی‌ها کمتر از ارزش اسمی بدهی‌ها باشد، آنها تنها خالص دارایی‌ها را دریافت می‌کنند. بنابراین صاحبان بدهی درباره ارزش‌های کمتر خالص دارایی‌ها نسبت به ارزش‌های مازاد نگرانی بیشتری دارند. ارزش‌های بیشتر شرکت و خالص دارایی‌ها عموماً غیرقابل تأیید هستند و آنها خواستار گزارش حداقل مقدار خالص دارایی‌های شرکت هستند که این امر با استفاده از شناسایی سریع‌تر زیان‌ها نسبت به سودها (محافظه‌کاری) امکان‌پذیر است [۳۴] [۳۰]. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد یکی از عوامل تعیین‌کننده محافظه‌کاری حسابداری^۱، تصمیمات مرتبط با سررسید بدهی است [۳۰]. در این پژوهش، ارتباط بین ساختار سررسید بدهی و محافظه‌کاری حسابداری بررسی شده است. پرسش ما از پژوهش‌های قبلی مبنی بر نقش یکسان و مشابه بدهی کوتاه‌مدت و محافظه‌کاری حسابداری در رفع هزینه‌های نظارت بر مدیریت بدهی نشأت می‌گیرد. مطالعه ادبیات موضوعی نشان می‌دهد حتی زمانی که مدیران و اعتباردهندگان وارد قراردادهای با اطلاعات یکسان می‌شود، طبیعت ناقص قراردادهای بدهی یک تقاضا برای مکانیسم‌هایی خلق می‌کند که حقوق تصمیم‌گیری آتی را اختصاص داده است. زمانی که سررسید بدهی کوتاه‌تر است، این تقاضا برای محافظه‌کاری حسابداری ناشی از قراردادهای ناقص نیز کمتر می‌باشد، زیرا در زمان مقرر برای تجدید با عدم تجدید قراردادها،

¹ Accounting Conservatism

اعتباردهندگان می‌توانند بدهی را مجدداً قیمت‌گذاری کنند [۱۵]. سررسید بدهی کوتاه‌مدت، هزینه‌های نمایندگی بدهی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی و مسائل سرمایه‌گذاری غیر بهینه در تأمین مالی از طریق استقراض را کاهش داده و به هنگام تجدید آن، اعتباردهندگان را در معرض نظارت خارجی بیشتر قرار می‌دهد [۲۰]. لذا می‌توان بیان کرد، بین سررسید بدهی کوتاه‌مدت و محافظه‌کاری حسابداری یک رابطه منفی برقرار است [۳۰]. با توجه به موارد یاد شده، سؤال اصلی پژوهش، این است که آیا بین تصمیمات سررسید بدهی و محافظه‌کاری حسابداری ارتباط معناداری وجود دارد یا خیر؟ در صورت وجود رابطه معنادار، نوع رابطه چگونه است؟ در پژوهش حاضر، تأثیر ساختار سررسید بدهی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی می‌شود.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

محافظه‌کاری در حسابداری، گرایش و تمایل برای به‌کارگیری سطح بالاتری از تأییدپذیری به منظور شناسایی اخبار مساعد، در مقایسه با اخبار نامساعد است. بنا به تعریف هیأت تدوین استانداردهای حسابداری ایران، محافظه‌کاری یا احتیاط عبارت است از: کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است، به گونه‌ای که درآمدها و دارایی‌ها بیشتر از واقع، و بدهی‌ها و هزینه‌ها کمتر از واقع شناخت نگردد. هندریکسن و ون‌بردا [۱۲]، علت وجود محافظه‌کاری را که ناشی از عدم اطمینان است، در دو عامل تداوم فعالیت واحد تجاری در آینده‌ای پیش‌بینی‌پذیر و الزام به برآورد یا تخمین برخی از مبالغ می‌دانند. آنها همچنین دلایلی را برای کاربرد محافظه‌کاری برشمردند؛ از جمله اینکه بدبینی حاصل از اصل محافظه‌کاری در فرآیند گزارشگری مالی، موجب تعدیل خوش‌بینی برآوردهای عمده مدیریت درباره عملکرد واحد تجاری است [۸]. لافوند و واتز [۳۳] استفاده از محافظه‌کاری را به دلیل تعدیل‌کننده خوش‌بینی بیش از حد مدیریت در برآوردها، الزامی می‌دانند. پیرامون محافظه‌کاری و عوامل مؤثر بر آن، مطالعات گوناگونی انجام گرفته است. باسو [۱۸] به این نتیجه رسید که بین میزان اثرگذاری اخبار مساعد و نامساعد بر سود گزارش شده شرکت‌ها، اختلاف معناداری وجود دارد. وی برای شناخت اخبار مربوط به شرکت از متغیر بازده سهام بهره برده است. معیار استفاده شده باسو [۱۸] در برآورد محافظه‌کاری، رابطه بین سود حسابداری و اخبار شرکت است. بر اساس پژوهش بال و همکاران [۱۶]، همبستگی بین سود و بازده سهام، موجب تورش برآوردهای محتوای سود در بازده می‌شود. علاوه بر آن، هنگامی که اثرهای مربوط به شرکت‌ها در تجزیه و تحلیل‌ها لحاظ می‌شود، برآوردها تورش ندارند و از لحاظ آماری نیز معنادارند. به بیان دیگر، استفاده از اثرهای ثابت در برازش رگرسیون به روش پانل دیتا، کاهش تورش را در پی دارد.

ساختار بدهی از شاخص‌های مهم تعیین‌کننده موفقیت شرکت بوده و باعث رشد پایدار شرکت می‌شود. از این رو تصمیمات معطوف به ساختار بدهی برای بقای تجاری شرکت حیاتی است. با این حال انتخاب ساختار بدهی ساده نیست و تصمیم‌گیری اشتباه منجر به هدایت شرکت به بحران و ورشکستگی می‌گردد [۱۳] [۲۲]. با توجه نقشی که سررسید بدهی‌ها در محیط‌های دارای اطلاعات نامتقارن بازی می‌کند، استفاده از بدهی‌های کوتاه‌مدت دارای ساز و کاری است که می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی و

هزینه‌های نمایندگی بین سهامداران، اعتباردهندگان و مدیران را کاهش دهد. از دیدگاه قرض‌گیرنده پیش‌بینی می‌شود که تحت شرایط اطلاعات نامتقارن، شرکت‌هایی که پروژه‌های خوبی دارند از بدهی‌هایی با سررسید کوتاه‌مدت استفاده کنند و بدین وسیله علایمی را به بازار منتقل کنند تا مشکلات مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهند [۲۴] [۳۰]. مولینا و پناس [۳۵] بیان می‌کنند که کوتاه بودن سررسید بدهی‌ها اجازه کنترل‌های بهتر را برای مدیر فراهم می‌کند، زیرا سررسید کوتاه‌تر، انگیزه مذاکرات مجدد برای تمدید بدهی را افزایش داده و قرض‌دهندگان هم قرارداد بسته‌تر و دقیق‌تری را با فرض‌گیرنده منعقد کرده و آنها می‌توانند با مشخص شدن عملکرد شرکت در طی اولین دوره، برای تصمیم‌گیری در خصوص تمدید قرارداد یا تغییر شرایط قرارداد اقدام کنند.

به دلیل تمدید بدهی‌های کوتاه‌مدت و جایگزین نمودن آن با یک بدهی کوتاه‌مدت دیگر، وام‌دهندگان می‌توانند نظارت بیشتری بر وام‌گیرندگان داشته و تضاد نمایندگی بین اعتباردهندگان و وام‌گیرندگان را کاهش دهند [۹]. بنابراین، انتظار می‌رود استفاده بیشتر از بدهی‌های کوتاه‌مدت منجر به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و گزینش نادرست گردد و از این رو کارایی سرمایه‌گذاری نیز افزایش یابد. سررسید بدهی‌ها می‌تواند برای کاهش مشکلات مربوط به سرمایه‌گذاری بیش از حد و کمتر از حد مورد استفاده قرار گیرد [۲۴] [۹]. زمانی که یک شرکت قرض می‌گیرد، علاوه بر اینکه بایستی در مورد مقدار بدهی تصمیم بگیرد، باید در مورد نوع بدهی نیز تصمیم‌گیری کند. تفاوت در نوع (ویژگی) بدهی منجر به تفاوت مقطعی در هزینه‌های نمایندگی و نهایتاً تفاوت در تقاضا برای محافظه‌کاری می‌شود. بنابراین در بررسی رابطه بین قراردادهای بدهی و محافظه‌کاری بایستی نوع بدهی را نیز مدنظر قرار داد. لی [۳۴] اینگونه بیان می‌کند که اگر استفاده از بدهی کوتاه‌مدت هزینه‌های نمایندگی کل را کاهش (افزایش) دهد، شرکت‌هایی که از بدهی‌های بلندمدت بیشتری نسبت به بدهی‌های کوتاه‌مدت استفاده می‌کنند، محافظه‌کاری بیشتری (کمتری) دارند [۳۴] [۳۰]. نتایج پژوهش‌های قبلی حاکی از این است که کوتاه کردن سررسید بدهی مکانیسمی برای کاهش هزینه نمایندگی بدهی است. علی‌الخصوص سررسید بدهی کوتاه‌مدت می‌تواند هزینه‌های نمایندگی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش دهد، زیرا ارزش سررسید بدهی کوتاه‌مدت به اطلاعات خصوصی اعتباردهندگان حساسیت کمتری دارد. سررسید بدهی کوتاه‌مدت می‌تواند محافظه‌کاری حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد. سررسید بدهی کوتاه‌مدت به تغییرات در نوسانات دارایی شرکت به نسبت سررسید بدهی بلندمدت حساسیت کمتری دارد (بارنیا و همکاران، ۱۹۸۰) و مدیران را در معرض نظارت بیشتر قرار می‌دهد (به عنوان مثال، لیلاندوتافت، ۱۹۹۶). در نتیجه سررسید بدهی کوتاه‌مدت می‌تواند از حرکت به سوی پروژه‌های مخاطره‌آمیز جلوگیری کند و تقاضای قرارداد بدهی برای محافظه‌کاری حسابداری را کاهش دهد [۳۰]. از آنجا که ادعای اعتباردهندگان بیشتر بر کاهش ارزش شرکت (به جای افزایش ارزش شرکت) متمرکز است، اعتباردهندگان به منظور حصول اطمینان از گزارش پایین سود و خالص دارایی‌ها در صورت‌های مالی، محافظه‌کاری حسابداری بیشتری مطالبه می‌کنند. انتظار می‌رود، زمانی که سررسید بدهی کوتاه‌تر باشد، تقاضا برای محافظه‌کاری حسابداری ناشی از قراردادهای بدهی نیز کمتر باشد؛ زیرا در زمان مؤثر

برای تجدید یا عدم تجدید قرارداد، اعتباردهندگان می‌توانند بدهی را مجدداً قیمت‌گذاری کنند. به علاوه، محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند موجب نقض‌های قرارداد بدهی گردد که می‌تواند حقوق کنترل را به مالکین اوراق بدهی (دارندگان بدهی) انتقال داده و اساساً سررسید مؤثر بدهی را کوتاه سازد. پیش‌بینی می‌شود که هر چه سررسید بدهی کوتاه‌تر باشد، تقاضا از سوی اعتباردهندگان برای محافظه‌کاری حسابداری جهت اختصاص حقوق کنترل^۱ کمتر خواهد بود.

یک استدلال دیگر در مورد ارتباط منفی بین بدهی کوتاه‌مدت و محافظه‌کاری حسابداری که می‌توان بیان کرد، عبارت از این است که گزارشگری محافظه‌کارانه، شرکت‌ها را در استقراض بدهی با سررسیدهای طولانی‌تر قادر می‌سازد [۳۰]. پژوهش‌های اخیر تقاضای دارندگان بدهی برای محافظه‌کاری حسابداری را با هدف قراردادی و نظارت ثمربخش خاطر نشان کردند. به این ترتیب، تقاضای محافظه‌کاری حسابداری انگیزه‌ای خواهد شد تا قرض‌گیرنده‌ها سطوح خاصی از محافظه‌کاری را به منظور اکتساب شرایط قرارداد بهتر ارائه دهند [۱۷] [۲۵]. از نقطه نظر اعتباردهندگان، اگر سررسید بدهی کوتاه‌مدت مانع حرکت به سوی پروژه‌های پر خطر شود و بگذارند اعتباردهندگان بر مدیران نظارت کنند (در قالب نظارت بر بدهی کوتاه مدت شرکت چرا که عملکرد شرکت را برای اطمینان از دریافت اصل و بهره منابع خود مرتب نظارت می‌کنند)، آنگاه سررسید بدهی کوتاه‌مدت باید تقاضای قراردادهای بدهی که در آن محافظه‌کاری حسابداری بیشتر در نظر گرفته شده را کاهش دهد. استدلال این است که هر چه سررسید بدهی کوتاه‌مدت بیشتر باشد، تقاضاهای دارندگان وام برای محافظه‌کاری حسابداری، جهت تخصیص حقوق کنترل کمتر خواهد بود. چارچوب قراردادی ناقص^۲ نیز یک رابطه منفی را بین سررسید بدهی کوتاه‌مدت و محافظه‌کاری حسابداری پیش‌بینی می‌کند. در این چارچوب، قراردادهای مالی ذاتاً ناقص‌اند، زیرا قراردادهای اولیه نمی‌توانند هر پیشامد احتمالی آتی را مدنظر قرار دهد. آرمسترانگ و همکاران [۱۵] خاطر نشان کردند حتی زمانی که مدیران و اعتباردهندگان وارد قراردادها با اطلاعات یکسان می‌شود، طبیعت ناقص قراردادهای بدهی یک تقاضا برای مکانیسم‌هایی خلق می‌کند که حقوق تصمیم‌گیری آتی را اختصاص داده است. زمانی که سررسید بدهی کوتاه‌تر است، این تقاضا برای محافظه‌کاری حسابداری ناشی از قراردادهای ناقص نیز کمتر می‌باشد، زیرا در زمان مقرر برای تجدید با عدم تجدید قراردادها، اعتباردهندگان می‌توانند بدهی را مجدداً قیمت‌گذاری کنند. به طور کلی، انتظار می‌رود بین سررسید بدهی کوتاه‌مدت با محافظه‌کاری حسابداری ارتباط منفی معناداری برقرار باشد.

کورانا و وانگ [۳۰] در پژوهشی به بررسی تأثیر ساختار سررسید بدهی بر محافظه‌کاری حسابداری پرداختند. به اعتقاد آنها سررسید بدهی کوتاه‌مدت می‌تواند هزینه‌های نمایندگی (هزینه‌های نظارت بر مدیریت) بدهی ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی و مسائل سرمایه‌گذاری غیر بهینه در تأمین مالی از طریق استقراض را کاهش دهد. لذا، انتظار می‌رود که مطالبه قراردادهای بدهی برای محافظه‌کاری حسابداری

¹ Control rights

² The incomplete contract

زمانی که سررسید بدهی کوتاه مدت بیشتر است، کمتر باشد. نتایج پژوهش آنها نشان داد که سررسید بدهی کوتاه مدت با محافظه کاری حسابداری رابطه منفی معناداری دارد و شدت این رابطه منفی در شرکت های درمانده مالی بیشتر است. به اعتقاد بال و همکاران [۱۶] علت اصلی تورش در برآورد مدل باسو [۱۸]، به عدم کنترل رابطه سود و بازده مورد انتظار مربوط است. کنترل عواملی مانند اندازه، نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق مالکانه، اهرم، نوسان بازده سهام و خارج کردن بخش مورد انتظار سود شرکت، موجب کاهش تورش و افزایش اطمینان در برآورد محافظه کاری شرطی در سود حسابداری می شود. همچنین برآورد مدل با روش اثرهای ثابت، تورش را کاهش می دهد. کیرچ و ترا [۳۲] به بررسی عوامل مؤثر بر سررسید بدهی شرکت های آمریکای جنوبی پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که اندازه، ریسک تجاری و نسبت دارایی های مشهود شرکت ها تأثیری عمده و مثبت بر سررسید بدهی آنها دارد. همچنین سطح توسعه مالی به طور عمده با سررسید بدهی مرتبط نیست. برادران و همکاران [۲] در پژوهشی به بررسی تأثیر محافظه کاری بر گزارشگری به موقع اطلاعات مالی در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که محافظه کاری بر انتشار به موقع عملکرد صورت های مالی تأثیر دارد ولی بر انتشار به موقع صورت های مالی میان دوره ای و تشکیل به موقع مجمع عمومی عادی سالانه تأثیر ندارد. اعتمادی و همکاران [۱] در پژوهشی تحت عنوان طراحی و تبیین مدل پیش بینی محافظه کاری حسابداری با تأکید بر ارتباط آن با میانگین موزون هزینه سرمایه در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران دریافتند بین برخی از اجزاء هزینه تأمین مالی با محافظه کاری حسابداری و ارائه مدلی برای اندازه گیری محافظه کاری حسابداری همبستگی وجود دارد. با در نظر گرفتن مبانی نظری، پژوهش های گذشته و نتایج آنها، فرضیه پژوهش بدین شرح مطرح می شود؛ ساختار سررسید بدهی تأثیر معناداری بر محافظه کاری حسابداری دارد.

روش شناسی پژوهش

جامعه آماری این پژوهش را شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ تشکیل داده است. در پژوهش حاضر جامعه آماری براساس شروط نظام مندی تعدیل شده اند. بنابراین، در انتخاب شرکت ها ویژگی های زیر مورد توجه قرار گرفت: الف) شرکت های مورد نظر، به دلیل تفاوت در ترازنامه، ماهیت خاص فعالیت جزو بانک ها، واسطه گری مالی، لیزینگ و شرکت های بیمه نباشند. ب) سهام شرکت ها در طول هر یک از سال های دوره پژوهش، وقفه معاملاتی بیش از سه ماه نداشته باشد. پ) از منظر افزایش قابلیت مقایسه، پایان سال مالی شرکت، منتهی به پایان اسفند ماه باشد. ت) طی سال های مورد مطالعه تغییر سال مالی یا فعالیت نداده باشد. ث) شرکت های مورد نظر از ابتدا تا انتهای پژوهش در فهرست شرکت های پذیرفته شده در بورس باشند. ج) تمامی داده های مورد نیاز آنها در طی دوره پژوهش در دسترس باشد. پس از بررسی شرکت ها از لحاظ ویژگی های مذکور، در مجموع ۱۰۳ شرکت به عنوان نمونه مورد مطالعه این پژوهش انتخاب شد. در گردآوری داده ها از نرم افزار ره آورد نوین و بانک اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار (کدال) و پایگاه های اینترنتی مرتبط

با بورس استفاده شد. آزمون فرضیه‌ها نیز پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز، به کمک نسخه ششم نرم‌افزار Eviews انجام گرفت. الگوی رگرسیونی که برای آزمون فرضیه پژوهش استفاده شده است، مطابق پژوهش کورانا و وانگ (۲۰۱۵) به شرح رابطه (۱) است: رابطه (۱):

$$CONSV_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 (Debt\ Maturity_{i,t}) + \sum_{q=2}^{m} \beta_q (q^{th}\ Control\ Variables_{i,t}) + \epsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق $Debt\ Maturity_{i,t}$ سررسید بدهی و $CONSV_{i,t}$ بیانگر محافظه‌کاری است. هر یک از متغیرهای پژوهش در ادامه معرفی شده‌اند:

محافظه‌کاری: برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری از مدل باسو [۱۸] استفاده شده است. باسو [۱۸] با بهره‌گیری از مدل پیشنهادی خود (رابطه ۲) دریافت که عدم تقارن سود در انعکاس اخبار خوب و اخبار بد، به درجه‌های متفاوتی از پایداری منجر می‌شود. رابطه (۲):

$$EPS_{i,t}/P_{i,t-1} = \beta_0 + \beta_1 DR_{i,t} + \beta_2 RET_{i,t} + \beta_3 DR_{i,t} \times RET_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

$EPS_{i,t}$: سود خالص؛ $P_{i,t-1}$: قیمت سهام در ابتدای دوره؛ $DR_{i,t}$: متغیر مجازی، اگر اخبار بد باشد یک و در غیر این صورت صفر است و $RET_{i,t}$: نرخ بازده سهام شرکت. در این مدل، بازده مثبت (تغییرات بازده سهام نسبت به سال قبل مثبت باشد)، نماینده اخبار خوب و بازده منفی (تغییرات بازده سهام نسبت به سال قبل منفی باشد)، نماینده اخبار بد است. چنانچه تغییر بازده سهام نسبت به سال قبل مثبت باشد، رابطه (۳) به دست می‌آید: رابطه (۳):

$$EPS/P = \alpha + \beta_2 RET + \epsilon$$

در این رابطه β_2 نشان‌دهنده حساسیت واکنش سود به اخبار خوب است. چنانچه تغییر بازده سهام نسبت به سال قبل منفی باشد، رابطه ۴ به دست می‌آید: رابطه (۴):

$$EPS/P = \alpha + \beta_1 + (\beta_2 + \beta_3) RET + \epsilon$$

که در آن $\beta_2 + \beta_3$ حساسیت واکنش سود را نسبت به اخبار بد نشان می‌دهد. باسو معتقد است، واکنش سود نسبت به اخبار بد، به هنگام‌تر از واکنش سود نسبت به اخبار خوب است. به گفته‌ای دیگر $\beta_2 < \beta_2 + \beta_3$ است و در نتیجه $\beta_3 < 0$. وی β_3 را ضریب عدم تقارن زمانی سود نامید که نشان‌دهنده محافظه‌کاری است [۱۸] [۸] [۳۰] [۶].

سررسید بدهی: در پژوهش حاضر از نسبت بدهی کوتاه‌مدت (بدهی که در طی یک سال تسویه می‌شود) به کل بدهی برای اندازه‌گیری سررسید بدهی استفاده شده است. دلیل استفاده از این نسبت به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری سررسید بدهی این است که هر چه میزان استفاده از بدهی کوتاه‌مدت بیشتر باشد، در واقع سررسید بدهی‌های یک شرکت کوتاه‌تر است [۲۹] [۳۰] [۱۱] [۷] [۴]. متغیرهای کنترلی پژوهش به شرح زیر معرفی شده‌اند:

نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام^۱: این متغیر از تقسیم ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت به ارزش دفتری آن در پایان سال مالی محاسبه می‌شود. [۳۰] [۲۹] [۱۰]. اندازه شرکت: برای محاسبه اندازه شرکت از لگاریتم ارزش بازار سهام شرکت (حاصل ضرب قیمت سهام در تعداد سهام) در پایان سال استفاده شده است [۳۰] [۲۹] [۳]. نرخ بازده دارایی‌ها: از تقسیم سود قبل از بهره و مالیات به میانگین دارایی‌ها به دست می‌آید [۲۸] [۲۹] [۳۱] [۱۹]. ارقام تعهدی اختیاری: برای محاسبه ارقام تعهدی اختیاری از مدل تعدیل‌شده جونز استفاده می‌شود. دلیل استفاده از این متغیر، کنترل اثر رویه‌های گزارشگری متهورانه شرکت است [۲۱] [۲۹] [۱۴]؛ جریان‌های نقدی عملیاتی: جریان‌های نقدی عملیاتی که بر حسب مجموع دارایی‌های شرکت استاندارد شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرها	نماد متغیر	میانگین	میانه	بیشینه	کمینه	انحراف معیار
ارقام تعهدی اختیاری	DAcc	۰/۰۶۹	۰/۰۷۳	۰/۱۴۳	-۰/۱۲۵	۰/۰۸۴
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	MTB	۱/۸۳۱	۱/۶۱۸	۱۴/۱۱۱	۰/۴۸۷	۰/۳۳۳
اندازه شرکت	Size	۱۲/۱۴۲	۱۱/۶۷۱	۱۳/۵۱۴	۱۰/۱۵۶	۰/۷۱۶
نرخ بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۱۵	۰/۱۳۱	۰/۴۲۷	-۰/۲۷۴	۰/۳۷۹
جریان‌های نقدی عملیاتی	CFO	۰/۱۳۷	۰/۱۱۹	۰/۷۵۶	-۰/۴۱۹	۰/۶۲۷
محافظه کاری	CONV	۰/۱۳۹	۰/۱۱۸	۰/۳۲۷	۰/۰۲۹	۰/۰۹۶
سررسید بدهی	DebMat	۰/۸۵۷	۰/۸۰۴	۰/۹۹۱	۰/۲۶۸	۰/۱۳۳

یافته‌های پژوهش

آمار توصیفی و تجزیه و تحلیل آن

جدول ۱ مقادیر میانگین، میانه و انحراف معیار متغیرهای استفاده شده پژوهش را نشان می‌دهد. همانگونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین اندازه شرکت ۱۲/۱۴۲ و میانه آن ۱۱/۶۷۱ است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهد میانگین نسبت بدهی کوتاه‌مدت به کل بدهی شرکت‌های مورد آزمون ۰/۸۵۷ می‌باشد. میانه متغیر سررسید بدهی نیز مقدار ۰/۸۰۴ بوده که نشان می‌دهد نیمی از متغیرهای سررسید بدهی شرکت‌ها کمتر از این مقدار و نیمی بیش از این مقدار می‌باشند. نزدیک بودن مقدار میانگین و میانه داده‌های مورد استفاده گویای نرمال بودن آن می‌باشد. در جامعه آماری با توزیع نرمال فرض می‌شود که ارقام به نحوی سیستماتیک و با الگوی یکنواخت در اطراف میانگین توزیع شده‌اند و

¹ Market to Book Ratio

احتمال قرار گرفتن یک مقدار معین در اطراف میانگین مساوی است. از مهمترین پارامترهای پراکنندگی انحراف معیار است که برای متغیر محافظه‌کاری ۰/۰۹۶ می‌باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد آماره‌های مورد استفاده در پژوهش حاضر برای انجام پژوهش مناسب و مطلوب بوده است [۲۷]. برای اطمینان از نبود همخطی، آزمون ضرایب همبستگی پیرسون برای همه متغیرهای توضیحی مدل‌های رگرسیونی انجام شد. بر اساس نتایج حاصل از این آزمون چون تمام ضرایب برآورد شده معنادار و تفکیک‌پذیر بودند بین متغیرهای مستقل و تعدیل‌کننده خودهمبستگی دیده نشد.

نتایج آزمون فرضیه پژوهش

نتایج آزمون چاو مدل رگرسیونی پژوهش برای تعیین نوع آزمون (تلفیقی یا داده‌های تابلویی) مقدار احتمال آماره اف‌لیمر را به ترتیب عدد ۰/۰۲۷ (کمتر از ۵ درصد) نشان داد. در نتیجه، اولویت در استفاده از روش داده‌های تابلویی است. برای تعیین نوع روش داده‌های تابلویی (اثرات ثابت یا اثرات زمانی) از آزمون هاسمن استفاده شد که طبق نتایج، استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در اولویت قرار گرفت. از آزمون جارك - برا^۱ به منظور تشخیص نرمال بودن توزیع اجزای اخلال مدل پژوهش استفاده شده است. احتمال آماره جارك - برا برابر با ۰/۴۲۵ محاسبه شده است، از آنجا که این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ به دست آمده است؛ فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای اخلال را نمی‌توان رد کرد؛ لذا توزیع اجزای اخلال نرمال است. با وجود این، براساس قضیه حد مرکزی، ضرایب در داده‌های با تعداد مشاهدات بالا نرمال محسوب می‌شوند، هر چند توزیع اجزا نرمال نباشد [۲۶].

جدول ۲. نتیجه آزمون فرضیه پژوهش

متغیرها و ضریب تعیین مدل	سطح معناداری	آماره t	خطای استاندارد	ضریب بتا
سررسید بدهی	۰/۰۰۶	-۳/۸۰۱	۰/۰۱۵	-۰/۰۵۷
اقلام تعهدی اختیاری	۰/۰۰۲	۶/۱۸۱	۰/۰۲۸	۰/۱۷۲
نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام	۰/۳۳۵	۰/۷۱۸	۰/۱۷۰	۰/۱۲۲
اندازه شرکت	۰/۰۰۷	-۳/۵۲۱	۰/۱۴۷	-۰/۵۱۹
جریان نقد عملیاتی	۰/۰۱۵	-۲/۸۱۶	۰/۰۱۲	-۰/۰۳۴
نرخ بازده دارایی‌ها	۰/۳۲۶	۰/۵۱۸	۰/۲۷۷	۰/۱۴۳
مقدار ثابت مدل	۰/۱۴۴	۱/۸۹۷	۰/۰۴۵	۰/۰۸۶
سطح معناداری آماره فیشر	۰/۰۰۶	آماره دوربین - واتسون		۱/۹۵۸
ضریب تعیین	۰/۳۷	ضریب تعیین تعدیل یافته		۰/۳۲

¹ Jark-Bera

نتایج برآورد رگرسیون ارائه شده در جدول (۲) نشان می‌دهد که ضریب متغیر سررسید بدهی برابر با $-0/057$ است. با توجه به اینکه سطح معناداری کمتر از $0/05$ به دست آمده است، فرض صفر مبنی بر صفر بودن این ضریب تأیید نمی‌شود؛ به بیان دیگر این ضریب در سطح خطای ۵ درصد معنادار است و تأثیر متفاوتی از صفر بر متغیر محافظه‌کاری حسابداری دارد که با توجه به علامت منفی آن می‌توان گفت بین سررسید بدهی و محافظه‌کاری حسابداری ارتباط منفی معناداری وجود دارد. از بین متغیرهای کنترلی بیان‌شده متغیرهای نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام و نرخ بازده دارایی‌ها تأثیر معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری ندارند. همچنین رابطه اندازه شرکت و اقلام تعهدی اختیاری با محافظه‌کاری حسابداری معنادار است. بر اساس بررسی‌های بیشتر، میزان جریان‌های نقدی بر سطح محافظه‌کاری حسابداری تأثیرگذار است. تأثیرگذاری جریان‌های نقدی بر سطح محافظه‌کاری حسابداری بیانگر وجود حساسیت محافظه‌کاری نسبت به جریان‌های نقدی است. ضریب تعیین تعدیل شده مدل رگرسیونی پژوهش نشان می‌دهد که حدود ۳۲ درصد از تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود. آماره دوربین - واتسون به میزان $1/958$ نشان می‌دهد که خطاها یا تفاوت بین مقادیر واقعی و پیش‌بینی شده به وسیله مدل رگرسیونی، از یکدیگر مستقل هستند. احتمال آماره F برای الگوی رگرسیونی نیز نشان از تأیید آن به طور کلی در سطح معناداری ۹۵ درصد دارد.

نتیجه‌گیری و بحث

محافظه‌کاری، تمایل حسابداران به الزام درجه بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوشایند در مقایسه با اخبار ناخوشایند، معنا شده است. نتایج پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد یکی از عوامل تعیین‌کننده محافظه‌کاری حسابداری، تصمیمات مرتبط با سررسید بدهی است. کوتاه بودن سررسید بدهی‌ها اجازه کنترل‌های بهتر را برای مدیر فراهم می‌کند، زیرا سررسید کوتاه‌تر، انگیزه مذاکرات مجدد برای تمدید بدهی را افزایش داده و اعتباردهندگان هم قرارداد بسته‌تر و دقیق‌تری را با قرض‌گیرنده منعقد کرده و می‌توانند با مشخص شدن عملکرد شرکت در طی اولین دوره، برای تصمیم‌گیری در خصوص تمدید قرارداد یا تغییر شرایط قرارداد اقدام کنند. سررسید بدهی کوتاه‌مدت می‌تواند محافظه‌کاری حسابداری را تحت تأثیر قرار دهد. سررسید بدهی کوتاه‌مدت به تغییرات در نوسانات دارایی شرکت به نسبت سررسید بدهی بلندمدت حساسیت کمتری دارد و مدیران را در معرض نظارت بیشتر قرار می‌دهد. در نتیجه سررسید بدهی کوتاه‌مدت می‌تواند از حرکت به سوی پروژه‌های مخاطره-آمیز جلوگیری کند و تقاضای قرارداد بدهی برای محافظه‌کاری حسابداری را کاهش دهد [۳۰]. در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر ساختار سررسید بدهی بر محافظه‌کاری حسابداری پرداخته شد. جامعه آماری پژوهش را شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۳ تشکیل می‌دهد. در این پژوهش برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری از مدل باسو [۱۸] و برای اندازه‌گیری سررسید بدهی از نسبت بدهی کوتاه‌مدت (بدهی که در طی یک سال تسویه می‌شود) به کل بدهی استفاده شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که سررسید بدهی کوتاه‌مدت تأثیر منفی

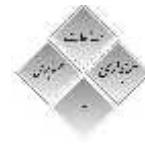
معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. یافته‌ها همچنین نشان می‌دهد رابطه اندازه شرکت و اقلام تعهدی اختیاری با محافظه‌کاری حسابداری معنادار است. بر اساس بررسی‌های بیشتر، میزان جریان‌های نقدی بر سطح محافظه‌کاری حسابداری تأثیرگذار است. تأثیرگذاری جریان‌های نقدی بر سطح محافظه‌کاری حسابداری بیانگر وجود حساسیت محافظه‌کاری نسبت به جریان‌های نقدی است. نتایج این پژوهش در مورد رابطه بین ساختار سررسید بدهی و محافظه‌کاری حسابداری با نتایج پژوهش کورانا و وانگ [۳۰] مطابقت دارد.

فهرست منابع

۱. اعتمادی، حسین؛ نوروش، ایرج؛ آذر، عادل و حسن سراجی. (۱۳۸۹). "طراحی و تبیین مدل پیش‌بینی محافظه‌کاری حسابداری با تأکید بر ارتباط آن با میانگین موزون هزینه سرمایه در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **تحقیقات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال دوم، شماره پنجم، صص: ۲۴-۵.
۲. برادران حسن‌زاده، رسول؛ حسینی نسب؛ مهناز و نیر علیمی. (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر محافظه‌کاری بر گزارشگری به موقع اطلاعات مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال سوم، شماره دهم، صص: ۶۵-۴۳.
۳. پورزمانی، زهرا و فرناز منصوری. (۱۳۹۴). "تأثیر کیفیت افشاء، محافظه‌کاری و رابطه متقابل آنها بر هزینه سرمایه سهام عادی"، **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی**، سال ۷، شماره ۲۵، صص: ۷۹-۹۶.
۴. حاجیه‌ها، زهره و حسنعلی اخلاقی. (۱۳۹۲). "بررسی تأثیر ویژگی‌های هیأت مدیره بر ساختار سررسید بدهی شرکت"، **فصلنامه حسابداری مدیریت**، سال ششم، شماره ۱۷، صص: ۷۴-۵۹.
۵. خدای پور، احمد؛ دری سده، مصطفی و آزاده پور اسماعیلی. (۱۳۹۴). "بررسی تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریت بر محافظه‌کاری؛ با در نظر گرفتن نظارت بیرونی"، **حسابداری و حسابرسی**، دوره ۲۲، شماره ۲، صص: ۲۰۲-۱۸۳.
۶. خدای پور، احمد و رحیمه مالکی نیا. (۱۳۹۱). "بررسی رابطه بین میزان محافظه‌کاری شرطی و اخبار منفی آینده در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مجله دانش حسابداری**، سال سوم، ش ۱۰، صص: ۲۷-۷.
۷. رحیمیان، نظام‌الدین؛ توکل‌نیا، اسماعیل و میثم کرملو. (۱۳۹۲). "اظهارنظر حسابرسی تعدیل شده و ساختار سررسید بدهی"، **پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی**، سال پنجم، شماره ۲۰، صص: ۱۵۷-۱۸۰.
۸. قائمی، محمد حسین؛ کیانی، آیدین و مصطفی تقی‌زاده. (۱۳۹۳). "محافظه‌کاری شرطی در گزارشگری مالی"، **حسابداری و حسابرسی**، دوره ۲۱، شماره ۴، صص: ۴۸۴-۴۷۱.

۹. کرمی، غلامرضا؛ مرادی جز، محسن و داود محسنی نامقی. (۱۳۹۴). "کیفیت گزارشگری مالی، سررسید بدهی و کارایی سرمایه‌گذاری: شواهدی از بورس اوراق بهادار تهران"، **پژوهش‌های حسابداری مالی**، سال هفتم، شماره اول، صص: ۹۳-۱۱۰.
۱۰. مهدوی، سهیلا و سارا پناهیان. (۱۳۹۱). "بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابداری بر مدیریت نقدینگی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، **مطالعات حسابداری و حسابرسی**، انجمن حسابداری ایران، سال اول، شماره چهارم، صص: ۱-۲۴.
۱۱. هاشمی، سید عباس؛ صمدی، سعید و ریحانه هادیان. (۱۳۹۳). "اثر کیفیت گزارشگری مالی و سررسید بدهی بر کارایی سرمایه‌گذاری"، **فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی**، سال ۱۱، شماره ۴۴، صص: ۱۱۷-۱۴۳.
۱۲. هندریکسن، الدان و ون بردا، مایکل. (۱۹۹۲). **تئوری‌های حسابداری**، ترجمه دکتر علی پارسائیان (۱۳۸۵)، جلد اول، تهران، انتشارات ترمه.
13. Abor, J. (2007). "Agency theories determinants of debt levels: evidence from Ghana". **Review of Accounting and Finance**, 7(2), 183-192.
14. Ahmed, A. S. & Duellman, S. (2013). "Managerial Overconfidence and Accounting Conservatism". **Journal of Accounting Research**, 51 (1): 1-30.
15. Armstrong, C., W. Guay and J. Weber (2010), "The Role of Information and Financial Reporting in Corporate Governance and Debt Contracting", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 50, Nos. 1-2, pp. 179-234.
16. Ball, R., Kothari S.P. & Valeri, N. (2013). "On estimating conditional conservatism", **The Accounting Review**, 88 (3): 755-787.
17. Ball, R. and L. Shivakumar (2005), "Earnings Quality in UK Private Firms: Comparative Loss Recognition Timeliness", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 39, No. 1, pp. 83-128.
18. Basu, S. (1997), "The Conservatism Principle and the Asymmetric Timeliness of Earnings", **Journal of Accounting and Economics**, Vol. 24, No. 1, pp. 3-37.
19. Childs, P. D. Mauer, D.C. Ott, S. H. (2005). "Interactions of Corporate Financing and Investment Decisions: the Effects of Agency Conflicts". **Journal of Financial Economics**, Vol. 76, Pp. 667 – 690.
20. Datta, S., M. Iskandar-Datta and K. Raman. (2005). "Managerial Stock Ownership and the Maturity Structure of Corporate Debt", **Journal of Finance**, Vol. 60, No. 5, pp. 2333-50.
21. Duellman, S., Hurwitz, H., Sun, Y. (2015). "Managerial Overconfidence and Audit Fees". **Journal of Contemporary Accounting & Economics**, 11(2): 148-165.
22. Fan, J.P.H. Titman, S and Twite, G. (2010), "an international comparison of capital structure and debt maturity choices". "NBER working paper series", **Working Paper 16445**, available at: <http://www.nber.org/papers/w16445>, NATIONAL BUREAU OF ECONOMIC RESEARCH.

23. Givoly, D. & Hayn, C. (2000). "The changing time-series properties of earnings, cash flows and accruals: Has financial reporting become more conservative?" **Journal of Accounting and Economics**, 29(3): 287- 320.
24. Gomariz, M, C., Ballesta, J, P. (2014). "Financial reporting quality, debt maturity and investment efficiency", **Journal of Banking & Finance**, www.elsevier.com/locate/jbf
25. Gormley, T., B. Kim and X. Martin (2012), "Do Firms Adjust Their Timely Loss Recognition in Response to Changes in the Banking Industry?" **Journal of Accounting Research**, Vol. 50, No.1, pp.159-96.
26. Greene, W. (2011). **Econometric Analysis. Seventh ED.** United states of America: Prentice-hall publication.
27. Gujarati, D.N. & Porter, D.C. (2009). **Basic econometrics**, McGraw-Hill International student edition.
28. Hay, D.C., Knechel, W.R., Wong, N. (2006). "Audit fees: a meta-analysis of the effect of supply and demand attributes". **Contemporary Accounting Research** 23 (1), 141-191.
29. Huang, R. and Tan, K. and Faff, R.W. (2016). "CEO overconfidence and corporate debt maturity", **Journal of Corporate Finance**, Vol (36), pp: 93-110.
30. Khurana, I. K. and Wang, Ch. (2015). "Debt Maturity Structure and Accounting Conservatism", **Journal of Business Finance & Accounting**, Vol. 42, Issue 1-2, pp. 167-203.
31. Kim, J. & Quinn, P. (2011). "The Choice of Corporate Liquidity and Accounting Conservatism". **Available in: www.SSRN.com.**
32. Kirch, G. and Terra, P.R. (2012). "Determinants of corporate debt maturity in South America: Do institutional quality and financial development matter?" **Journal of Corporate Finance**, Vol 18(4), pp: 980-993.
33. Lafond, R. & Watts, R.L. (2008). "The information role of conservatism". **The Accounting Review**, 83 (2): 447-478.
34. Lee, J. (2009). "The Role of Accounting Conservatism in Firms' Financial Decisions". **Working Paper, Northwestern University**
35. Mullina, H. & Penas, M. (2008). "Lending to Small Business: the Role of the Loan Maturity in Addressing Information Problems". **Small Business Economic**, Vol. 30, Pp. 361 – 383.



An Examination of the Effect of the Debt Maturity Structure on Accounting Conservatism

Saber Sheri Anaqiz (PhD)

Associate Prof. of Accounting, Faculty of Accounting and Management, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

Masoud Hasani Alqar¹©

Instructor of Accounting, Faculty of Humanities, Bozorgmehr University of Qaenat, Qaen, Iran.

(Received: 30 April 2017; Accepted: 12 August 2017)

Conservatism is defined as requiring a higher degree of verification practiced by accountants to identify good news compared to bad news. The results of previous studies show that the decisions related to debt maturity are one of determining factors in accounting conservatism. Short maturity debt allows better control for managers because shorter maturity causes the incentives for renegotiations in order to extend the debt. Creditors sign a closer and more accurate contract with borrowers and can decide on extending or changing the terms after the clarification of company's performance during the first period. This article aims to study the effect of debt maturity structure on accounting conservatism. The statistical population consisted of all companies listed on Tehran Stock Exchange (TSE) from 2005 to 2014. Basu (1997) model was employed in this study to measure the accounting conservatism. In order to measure debt maturity, short-term to total debt ratio is used. Short-term debt is the one settled during one year. The results show that short-term debt maturity has a significant, negative impact on accounting conservatism. Firm size and discretionary accruals have a significant relationship with accounting conservatism. Cash flows are effective in accounting conservatism. The effectiveness of cash flows in accounting conservatism indicates the conservatism sensitivity to cash flows.

Keywords: Accounting Conservatism, Timely Loss Recognition, Debt Maturity Structure, Agency Costs, Debt Contracts.

¹ acc.hasani@gmail.com (Corresponding Author)